

بانکداری اسلامی، دریچه‌ای به سوی آینده

مشابهت‌ها یا نزدیکی‌های بانکداری اسلامی با بانکداری سنتی

نویسنده: پروفیسور وارن ادواردز*

مترجم: سیدحسین علوی لنگرودی

اسلامی و هم در کشورهای غیراسلامی - در جستجوی محصولات و خدمات بانکی و مالی خاصی هستند که منطبق با اصول دینی و مذهبی آنها باشد و از منفعت‌طلبی‌ها و سودپرستی‌های نظام‌های بانکی سنتی به دور باشند. علاوه بر این، بسیاری از بانکداران غربی نیز مایل بوده و هستند که از ویژگی‌های مطلوب و بی‌ضرر اقتصاد اسلامی، به نفع اقتصادهای غربی استفاده نمایند و از نوآوری‌ها و خلاقیت بانکداران اسلامی بهره کافی گیرند.

در مقاله حاضر، همچنین تلاش شده است تا از ابهامات و پرده‌پوشی‌های رایج درباره بانکداری و مالیه اسلامی کاسته و بر دانسته‌های عمومی در این زمینه افزوده شود. علاوه بر این، نویسنده مقاله معتقد است که ویژگی‌های منحصر به فردی در بانکداری و مالیه اسلامی وجود دارد که آگاهی از ماهیت آنها می‌تواند قیاس میان این سیستم و سیستم‌های بانکی و مالی غربی را آسانتر سازد و بانک‌ها و موسسات مالی سنتی را به آرایه خدمات مالی و بانکی اسلامی در شعب خود تشویق نماید تا از این طریق، گامی بلند در جهت گسترش صنعت بانکداری اسلامی و بین‌المللی کردن آن برداشته شود.

برخی از محصولات مالی و بانکی اسلامی از برخی دیگر

«خوشا به حال انسان‌هایی که فارغ از دغدغه‌های کاسبکارانه و منفعت‌طلبانه زندگی می‌کنند، درست مثل نسل‌های نخستین بشر که از عرق جبین خود نان می‌خوردند و یوغ نزول و ربا بر گردنشان نبود.»
هوراس

نزدیک به سه دهه است که صنعتی جدید به نام "بانکداری و مالیه اسلامی" مطرح شده و طی این مدت، تقاضای روزافزونی برای برخورداری از محصولات و خدمات بانکی و مالی اسلامی - چه در کشورهای اسلامی و چه در غرب - به وجود آمده است که متأسفانه تاکنون، به علل گوناگون، از جمله محافظه‌کاری و ترس از ریسک‌های مختلف، بخش قابل توجهی از این تقاضاها بدون جواب مانده است.

هدف از این مقاله، عبارتست از معرفی بانکداری اسلامی و برشمردن ویژگی‌ها و برتری‌های آن. در این مقاله، نه تنها تلاش شده است تا حقانیت و مطلوبیت بانکداری اسلامی از نظر اخلاقی و عرفی اثبات شود، بلکه دلایلی در تایید برتری سیستم بانکداری اسلامی بر سایر سیستم‌های سنتی بانکداری و تامین مالی نیز ذکر شده است. علاوه بر این، کوشش شده است تا نشان داده شود که معادل‌ها و همزادهای متعددی در ساختارهای بانکی مالیات مدار وجود دارند که اگرچه در زمره سیستم‌های بانکی سنتی و غیراسلامی طبقه‌بندی می‌شوند و از ابزارهای مالی غربی بهره می‌گیرند، اما مشابهت‌ها و قرابت‌های بسیاری با بانکداری و مالیه اسلامی دارند که این امر در نوع خود، می‌تواند جالب توجه و خواندنی باشد.

این یک واقعیت مسلم و انکارناپذیر است که بیشتر سرمایه‌داران و سپرده‌گذاران مسلمان - هم در کشورهای

■ ■ ■
برخی از محصولات مالی و بانکی اسلامی از برخی دیگر "اسلامی‌تر" هستند، با این حال، همه این محصولات از یک اصل کلیدی و بنیادین پیروی می‌کنند و آن هم ممنوعیت دریافت و پرداخت ربا و نزول است.
■ ■ ■

* وارن ادواردز، مدیرعامل شرکت مدیریت ریسک دلفی (Delphi Risk Management) در لندن است که خدمات مشاوره مدیریت تولید، ارتباطات و نظارت را به شرکت‌ها و بانک‌ها ارائه می‌دهد. پروفیسور ادواردز، همچنین بنیانگذار و مدیر بخش School of Banking.com در دانشکده بانکداری و مالیه لندن می‌باشد و در بانک‌های Chartered House و Midland نیز سابقه عضویت در هیات مدیره را یدک می‌کشد.

ازپیش تعیین شده، غیرمجاز و به اصطلاح "حرام" است، اما من با حقه‌بازی‌ها و ظاهرسازی برخی از بانک‌ها و موسسات مالی که "اسلامی بودن" را در بوق و کرنا کرده‌اند و از آن برای کسب وجهه و اعتبار بین مشتریان، سهامداران و مقامات استفاده می‌کنند، مشکل دارم. به عبارت بهتر، هدف از این ظاهرسازی‌ها، "اسلامی جلوه کردن" و نه "اسلامی بودن" است. متأسفانه تاکنون یک نهاد بین‌المللی و مرکزی برای کنترل و نظارت بر فعالیت‌های بانکداری اسلامی، به وجود نیامده تا مشخص سازد که چه چیز "حلال" و چه چیز "حرام" است و همین مساله موجب شده است تا برخی از بانک‌ها و موسسات مالی با "شکار ایده" (۷) از پل صراط گرفتن مجوز بانکداری اسلامی به سلامت بگذرند و به "بانک‌های اسلامی" بدل گردند. بنابراین، می‌توان گفت همانگونه که حیل‌های بسیاری برای فرار از مالیات از سوی بانک‌های سنتی به کار گرفته می‌شود، بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی [به‌ظاهر اسلامی] نیز با استفاده از حیل‌های مختلف، سعی در سردرگم کردن ناظران و مقامات بانکی داشته و دارند و بدین وسیله، به حیات خود ادامه می‌دهند.

تاریخچه بانکداری اسلامی

نخستین بانک‌های کوچک "بدون بهره" در سال ۱۹۶۳ در مصر به وجود آمدند که به خاطر ترس از واکنش منفی و قهرآمیز دولتمردان لایبک مصر در آن زمان، اسلامی‌بودنشان را علنی نمی‌کردند. در این بانک‌ها، نه به سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران بهره‌ای پرداخت می‌شد و نه این که از استفاده‌کنندگان از تسهیلات بانکی بهره‌ای دریافت می‌شد. بخش عمده فعالیت این بانک‌ها، در حوزه‌هایی چون تجارت و صنعت متمرکز شده بود. با اینهمه، بخشی از سود و منفعت حاصل از به‌کارگیری سرمایه سپرده‌گذاران در فعالیت‌های تجاری و صنعتی، به آنها پرداخت می‌شد و در نتیجه، کارکرد این بانک‌ها، بیشتر شبیه موسسات پس‌انداز و وام (۸) بود تا بانک‌های تجاری.

این روند ادامه داشت تا سال ۱۹۷۱ که بانک نصر، به‌عنوان یک بانک تجاری بدون‌ربا در مصر ایجاد شد، البته این بانک نیز به علل سیاسی از اعلام "اسلامی بودن" خود اجتناب می‌کرد. اما در سال ۱۹۷۴، بانک توسعه اسلامی (Islamic Development Bank - IDB) به‌عنوان یک بانک فراملی و بین‌دولتی شروع به فعالیت نمود. هدف اصلی از تاسیس این بانک، فراهم‌آوردن سرمایه‌های کافی برای اجرای پروژه‌های توسعه‌ای در کشورهای ضعیفتر و فقیرتر اسلامی بود. IDB، خدمات مالی‌اش را براساس دریافت کارمزد یا شهریه (۹) و اصل "تسهیم در سود" ارایه می‌داد و در نتیجه، از هرگونه بهره مبرا بود. سپس به تدریج، در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، بانک‌های اسلامی شروع به فعالیت نمودند، به نحوی که در

"اسلامی‌تر" هستند، با این حال، همه این محصولات از یک اصل کلیدی و بنیادین پیروی می‌کنند و آن هم ممنوعیت دریافت و پرداخت ربا و نزول و رعایت اصل "نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود" (۱) است. آنچه من، به عنوان یک کارشناس و ناظر غیرمسلمان، آن را "بانکداری اسلامی خالص" (۲) می‌نامم، در واقع، شباهت ساختاری بسیار زیادی با سرمایه‌گذاری‌های متهورانه (۳) و تامین مالی پروژه (۴) دارد که در سیستم‌های بانکداری سنتی رواج دارند. در این نوع از سرمایه‌گذاری‌ها نیز سرمایه‌گذار در سود ناشی از سرمایه‌گذاری و به‌کارگیری پولش سهیم است و در عین حال، به ضرر و زیان احتمالی حاصل از این اقدام نیز تن‌درمی‌دهد. این فرایند، سرمایه‌گذاری و نه "قرض‌دهی" است که نمونه‌های بارز آن را می‌توان در نظام‌های بانکی آلمان، ژاپن و اسپانیا مشاهده کرد.

در سال‌های اخیر، محصولات بانکی و مالی بسیاری به‌وجود آمده‌اند که هدف اصلی از پیدایش آنها، پاسخگویی به الزامات مدیریت مالیاتی و تبدیل "ربا" به "سود سرمایه‌ای" بوده است، اما باید دانست که یکسری ابهامات و به‌اصطلاح "مناطق خاکستری" (۵) در اطراف این محصولات وجود دارد که موجب شده تا برخی از آنها، هم "غیراسلامی" و هم "غیرقانونی" به‌نظر آیند. به عنوان مثال، بسیاری از بانک‌ها، تا چند سال قبل و با یک روش مالیاتی [به عبارت صحیحتر، فرار مالیاتی] با استفاده از ترفند تبدیل بهره به سود سرمایه‌ای می‌کوشیدند تا بازرسان و ناظران بانکی را سردرگم سازند. برخی از سرمایه‌گذاران مسلمان نیز ترجیح می‌دادند تا سرمایه‌شان را به خرید و نگهداری اوراق قرضه کوپنی و یا اوراق قرضه ممتازی چون اوراق خزانه‌داری آمریکا اختصاص دهند و از این راه "سود سرمایه‌ای" که همان بهره غیرمجاز و ربا بود، دریافت دارند، حال آن که کاملاً بی‌داست که این به‌اصطلاح "سودهای سرمایه‌ای" همان بهره و ربای هستند که در اسلام، حرام دانسته شده و سرپوشی است برای فرار از مالیات سپرده‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها از سوی بانک‌ها و موسسات مالی.

باید دانست که این ترفندها و ظاهرسازی‌ها، از نظر کارشناسان و علمای اسلامی، امری غیرمجاز و حرام تلقی شده و قوانین و مقررات سخت‌گیرانه‌ای در این زمینه در برخی از کشورهای اسلامی وضع شده است. با اینهمه، من معتقدم که در بسیاری از الگوهای بانکداری اسلامی، رگه‌هایی از همین ترفندها را می‌توان به وضوح مشاهده کرد. بررسی‌ها و مطالعات من در بازارهای مالی و بانکی اسلامی، حکایت از آن دارد که در ۹۵ درصد فعالیت‌های بانکی و مالی اسلامی، انواع گوناگون "سود از پیش تعیین شده" (۶) وجود دارد که به عنوان "سود سرمایه‌ای" از سوی مقامات پذیرفته شده و مجاز دانسته شده است! البته من نمی‌خواهم ادعا کنم که تمام انواع نرخ سودهای

■ ■ ■
"بانکداری اسلامی خالص"
شباهت ساختاری بسیار
زیادی با سرمایه‌گذاری‌های
متهورانه و تامین مالی
پروژه دارد که در
سیستم‌های بانکداری سنتی
رایج است.
■ ■ ■

توانایی بازپرداخت قرض خود را داشته باشد. نکته جالبتر آن که، وجود همین تمایز بین بهره و تجارت، موجب شده است تا ابزارها و محصولات مالی اسلامی متعدد و متنوعی پا به عرصه وجود بگذارند، از جمله پرداخت‌های موقوفه یا همان فروش اقساطی، تخفیف پرداخت زودتر از موعد، کمیسیون‌های تامین مالی تجارت و معاملات اجاره‌گونه که همگی با نظام‌های بانکی غربی همخوانی دارند و در ترانزاکشن‌های بانکی کشورهای غربی نیز مشاهده می‌شوند.

با اینهمه، مقید کردن "بازپرداخت" به "توانایی بازپرداخت" خاصیتی مبهم و ناخوشایند به این الگو می‌دهد، چون که در این مدل، معلوم نیست که معنای "توانایی از بازپرداخت" چیست. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا فردی که نمی‌تواند قروض خود را بپردازد، می‌تواند به تجارت و کار و کسب خود ادامه دهد؟

در ایران، که نظام بانکی اسلامی در آن جریان دارد، پیاده‌شدن الگوهای بانکداری اسلامی در قسمت دارایی‌های بانکی آهسته‌تر و کندتر از اجرای این الگوها در قسمت سپرده‌ها بوده است. در این کشور، معمولاً فقط نیمی از منابع موجود در بخش خصوصی مورد استفاده قرار می‌گیرد که آن هم عمدتاً به صورت تسهیلات کوتاه‌مدت و محدودی چون معاملات تجاری و بازرگانی می‌باشد. در پاکستان که دارای نظام بانکی دوگانه است نیز تمرکز زیادی بر استفاده از منابع بانکی برای کار و کسب کوتاه‌مدت و نه تامین مالی بلندمدت پروژه شده و می‌شود. یکی از دلایل اصلی کندی پیاده‌شدن اصول اسلامی در بخش دارایی‌های بانکی، برمی‌گردد به فقدان یا کمبود نیروهای آموزش‌دیده و مجرب در حوزه بانکداری اسلامی و در نتیجه، هم‌اکنون شاهدیم که در بسیاری از موارد، وام‌ها و تسهیلات بانکی اسلامی، به مراتب پرمخاطره‌تر و ریسک‌پذیرتر از وام‌های با بهره سنتی و غربی می‌باشند. البته باید دانست که این مخاطرات، به اصل اسلامی "نابردن رنج، گنج میسر نمی‌شود" برمی‌گردند و اجتناب‌ناپذیر می‌باشند.

دلایل اقتصادی و ذهنی متعددی برای ممنوعیت بهره در اسلام وجود دارد: برخی از کارشناسان و صاحب‌نظران معتقدند که وجود یک هزینه ثابت تولید، به مثابه "ترمی برای اشتغال" عمل می‌کند و از سویی دیگر، بحران‌های پولی هولناکی را پدید می‌آورد. برخی دیگر نیز بر این اعتقادند که گرفتن بهره در قبال پرداخت وام، به نوعی "استثمار و بهره‌کشی از دیگران برای سود شخصی" می‌باشد. ولی باید دانست که بهره، فقط یکی از راه‌های استثمار نیروی کار می‌باشد و نه تنها راه آن.

از سویی دیگر، مساله کاهش قدرت خرید پول را نیز باید وارد این معادله کرد و فاکتور تورم را نیز نبایستی نادیده گرفت. در اسلام، هزینه سرمایه به عنوان یک نوع "هزینه تولید" در نظر

اواخر دهه ۱۹۷۰، بانک‌هایی چون بانک اسلامی دبی در امارات، بانک اسلامی فیصل در سودان، فیصل‌بانک در مصر و بانک اسلامی بحرین در بحرین، پا به عرصه وجود گذاشتند. علاوه بر خاورمیانه، در مالزی، فیلیپین و هند نیز بانک‌های اسلامی گسترش یافتند. سپس دامنه فعالیت بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی به اروپا نیز رسید و در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی کوچکی در لوکزامبورگ، سوییس، دانمارک و حتی آفریقای جنوبی و استرالیا نیز مشغول به کار شدند. برخی از بانک‌های سنتی عظیم مانند HSBC نیز طی سالیان اخیر برخی از شعب منتخب خود را به ارائه خدمات بانکی اسلامی اختصاص داده‌اند و بدین وسیله توانسته‌اند توجه بسیاری از مشتریان مسلمان در کشورهای اسلامی و غیراسلامی را به خود جلب کنند.

اصول کلیدی بانکداری اسلامی

ویژگی اصلی و کلیدی بانکداری اسلامی، فقدان بهره در آن است، با این حال، ویژگی‌های اجتماعی و اخلاقی دیگری نیز از برای این سیستم تعریف شده است که ریشه در اسلام "ناب" و "خالص" دارد، از جمله تاکید بسیار بر توزیع عادلانه‌تر درآمد و ثروت و خودداری از ورود به حیطه‌ها و عملیات نامشروع و نامطلوب.

برخی از کارشناسان بر این اعتقادند که ممنوعیت ربا در بانکداری اسلامی، به نوعی شبیه همان قوانین ضدنزول‌خواری در نظام‌های مالیات‌مدار^(۱۰) غربی و یا مقررات محدودکننده دریافت و پرداخت بهره اضافی در برخی کشورهاست. به عبارت بهتر، تفاوت بانکداری اسلامی با سایر سیستم‌های بانکی، در ممنوعیت فعالیت واسطه‌گری مالی و طلب بهره‌کردن و نزول‌خواری است.

در بانکداری اسلامی "خالص"، بین بهره وضع شده بر سرمایه‌گذاری‌های منفعلانه مانند سرمایه‌گذاری در حوزه اوراق قرضه و سپرده‌گذاری در بانک از یک سو، و بهره وضع شده بر سرمایه‌گذاری‌های فعال، از جمله وام‌های صنعتی و مولد، تفاوت و تمایز وجود دارد. اما امروزه، به دلایل عملی، تفاوت چندانی میان شکل‌ها و منابع مختلف بهره در نظر گرفته نمی‌شود. در برخی از مکاتب بانکداری اسلامی نیز همه انواع بهره - صرفنظر از خاستگاه و خاصیت آنها - "حرام" دانسته می‌شوند.

یکی از ابعاد بانکداری اسلامی که هم باعث آسوده‌شدن خیال بانکداران غربی می‌شود و هم خواب آنها را آشفته می‌سازد، این است که قرآن، میان بهره و تجارت، تفاوت قایل شده است و از مسلمانان خواسته است تا فقط مبلغی را که به دیگران قرض داده‌اند، از آنها طلب کنند و نه مبلغی بیش از آن را و این امر نیز فقط باید زمانی روی دهد که فرد قرض‌گیرنده،

در ۹۵ درصد فعالیت‌های بانکی و مالی اسلامی، انواع گوناگون "سود از پیش تعیین‌شده" وجود دارد که به عنوان "سود سرمایه‌ای" از سوی مقامات پذیرفته شده و مجاز دانسته شده است.

فراهم آمده از سوی سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران، دست به فعالیت اقتصادی می‌زند و در قبال این خدمات‌رسانی، کارمزد دریافت می‌دارد و از این حیث شبیه موسسات و شرکت‌های مدیریت سرمایه در نظام‌های بانکداری سنتی عمل می‌نماید.

محصولات بانکی اسلامی شعبه‌ای: در زمینه فعالیت‌های بانکی شعبه‌ای هم بانک‌های اسلامی سه نوع حساب بانکی برای مشتریان خود افتتاح می‌کنند که عبارتند از حساب جاری، حساب پس‌انداز و حساب سرمایه‌گذاری.

حساب جاری، عمدتاً یک حساب بانکی برای حفظ و نگهداری پول افراد در جایی امن و به صورت "ودیعه" می‌باشد و بانک‌ها از وجوه این حساب‌ها، برای مدیریت روزمره وجوه نقد استفاده می‌کنند. این نوع حساب‌ها، شباهت بسیاری با حساب‌های جاری رایج در بانک‌های سنتی و غیراسلامی دارند. در این نوع حساب‌ها، هیچگونه سودی به سپرده‌گذار تعلق نمی‌گیرد و سپرده‌گذار حق دارد هر زمان که مایل باشد، نسبت به برداشت پول خود اقدام نماید و در عین حال، به بانک اجازه می‌دهد تا از محل سپرده او، به دیگران وام دهد یا این که استفاده دیگری از آن نماید [البته استفاده حلال]. البته برای دارندگان حساب جاری، تسهیلات متنوعی چون دفترچه چک، تسهیلات پرداخت صورتحساب‌ها، سفته‌های بانکی، تسعیر ارز و چک‌های مسافرتی نیز در نظر گرفته شده است. بانک‌های اسلامی در اغلب موارد کارمزدی از دارندگان حساب‌های جاری دریافت نمی‌دارند.

از ساختار "الودیعه" هم برای حساب‌های پس‌انداز استفاده می‌شود. در این روش، بانک‌ها به دارندگان حساب‌های پس‌انداز، سود پرداخت می‌کنند و میزان این سود هم بستگی به میزان سوددهی فعالیت انجام‌شده با این سرمایه دارد و لذا به نظر می‌رسد که این سود نباید از پیش تعیین شده باشد. دارندگان حساب‌های پس‌انداز، از بسیاری از تسهیلاتی که برای دارندگان حساب‌های جاری در نظر گرفته می‌شود، محروم هستند، ولی آنها نیز به بانک، کارمزد نمی‌پردازند. در این حالت، اگر ضرر و زیانی به وقوع بپیوندد و بانک در استفاده از سرمایه‌های فراهم‌آمده از این حساب‌ها ناموفق باشد، هیچگونه ضرر و زیانی متوجه سپرده‌گذار نخواهد بود و بانک موظف است که این زیان را از محل ذخایر خود جبران نماید.

حساب‌های سرمایه‌گذاری هم از فرمت "مضاربه" استفاده می‌کنند. در این نوع حساب‌ها، سپرده‌ها، برای مدتی مشخص و ثابت، نزد بانک به ودیعه گذاشته می‌شوند و سپرده‌گذار حق ندارد تا پیش از پایان موعد مقرر، از حساب خود پول برداشت کند. نسبت تسهیم در سود، از بانکی به بانک دیگر متفاوت است و می‌تواند براساس میزان سوددهی بانک یا پورتفولیوی

گرفته می‌شود و در نتیجه، اصل "تسهیم در سود و زیان"^(۱۱)، آن هم با یک نسبت از پیش تعیین‌شده سود، در اسلام پذیرفته شده است. در مقابل هستند نظریه‌پردازان مسلمانی که این نسبت از پیش تعیین‌شده را حرام می‌دانند و معتقدند که نرخ برگشتی سرمایه در بانکداری اسلامی، متغیر و منوط به میزان سود حاصل از سرمایه‌گذاری است. در مورد بازپرداخت وام‌های بانکی نیز باید گفت که میزان بهره پرداختی وام‌گیرنده به بانک، بستگی به سود حاصل از به‌کارگیری آن سرمایه دارد و حتی ممکن است در صورت ناموفق بودن آن سرمایه‌گذاری، در حد صفر باشد. علاوه بر این، احتمال عدم بازپرداخت به موقع اصل وام نیز از سوی وام‌گیرنده وجود دارد که با توجه به تاکید اسلام بر "توانایی بازپرداخت" این مساله توجیه‌پذیر است.

ابزارهای مالی اسلامی

مضاربه: براساس اصل "نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود" چنانچه فرد قرض‌دهنده در ریسک‌ها و مخاطرات یک فعالیت سرمایه‌گذاری، با فرد قرض‌گیرنده شریک نباشد، حق ندارد در سود حاصل از آن فعالیت سهیم باشد. براساس عقد اسلامی "مضاربه" فرد تامین‌کننده سرمایه یا "رب‌المال"، از طریق یک فرد یا شرکت دیگر به نام "مضارب" اقدام به سرمایه‌گذاری و به‌کارگیری پولش می‌کند و در سود حاصل از این سرمایه‌گذاری با او شریک می‌شود. در این فرایند، سود، براساس توافق طرفین و به گونه‌ای منصفانه، بین طرفین تقسیم می‌شود، حال آن که ضرر و زیان احتمالی، فقط و فقط متوجه فرد تامین‌کننده سرمایه، یعنی رب‌المال خواهد بود. این عقد اسلامی، شباهت‌های بسیار زیادی با Non-recourse Project Finance دارد و عنوان دیگری که به این فعالیت داده شده است، "شرکت" می‌باشد.

مشارکت: تامین مالی از طریق مشارکت در دارایی را "مشارکت" گویند. این عقد اسلامی نیز شباهت‌های بسیار با فعالیت‌های رایج در شرکت‌های سهامی دارد. در اینجا، شرکا و سهامداران، از طریق راه‌اندازی یک پروژه مشترک، سرمایه خود را به کار می‌گیرند تا از این طریق، کسب سود نمایند. همگی این افراد، با توجه به سهم سرمایه‌ای خود در این پروژه، از سود و زیان ناشی از این پروژه بهره‌مند می‌شوند. پس در اینجا نیز تقسیم سود و زیان براساس نرخ توافقی و از پیش تعیین‌شده به نام "نسبت سرمایه‌گذاری" صورت می‌پذیرد.

اگرچه مضاربه و مشارکت، جزو مطلوبترین و خالص‌ترین شکل‌های فعالیت بانکداری اسلامی به حساب می‌آیند، اما در روزگار کنونی، استفاده چندان از آنها نمی‌شود. به‌هرحال، نقش بانک‌های اسلامی در این دو فرایند، نقشی واسطه‌ای و کارگزاری است که براساس آن، بانک با استفاده از سرمایه‌های

من با حقه‌بازی‌ها و
ظاهرسازی‌های برخی از
بانک‌ها و موسسات مالی که
"اسلامی بودن" را در بوق و
کرنا کرده‌اند، مشکل دارم.

ازای فروش فوری و دریافت با تاخیر بهای آن، از خریدار قیمت بالاتری را طلب نماید، امری است پذیرفتنی و معقول. به طور کلی، چنین معاملاتی را بایستی در دسته تجارت طبقه‌بندی کرد و نه وام. در بانکداری اسلامی فرایند تامین مالی سرمایه بر مبنای پرداخت با تاخیر را "بیع موجل" گویند.

اجاره: شکل اسلامی لیزینگ را "اجاره" گویند. در اینجا، بانک، ماشین‌آلات و سایر تجهیزات مورد نیاز برای کارهای تولیدی را خریداری می‌کند و سپس آن را بر اساس برنامه‌ای مشخص و پس از نصب و راه‌اندازی، به استفاده‌کننده نهایی اجاره می‌دهد. در این فرایند نیز به مانند لیزینگ‌های غربی، امکان خریداری کردن تجهیزات، در مدت اجرای قرارداد یا پس از آن وجود دارد.

بیع سلم: هنگامی که یک تولیدکننده در جستجوی منبعی برای تامین مالی تولید کالاهاست، در واقع، به دنبال خدمتی مالی به نام "بیع سلم" می‌باشد. این فرایند شامل پرداخت قیمت کالاهای تولیدشده از سوی بانک، آن هم پیش از تحویل و یا حتی پیش از ساخت آنها می‌شود و از این جهت، شباهت بسیاری با تامین مالی پذیرش بانکی در غرب دارد. لازم به ذکر است که در این حالت، بانک، با تخفیفات قابل توجهی که به خاطر پرداخت پیش از تحویل جنس نصیب می‌شود، ضرر و زیان ناشی از کاهش قدرت خرید پول را جبران می‌کند.

جوایز: ایران و پاکستان، از جمله کشورهایی هستند که تلاش می‌کنند تا کل سیستم بانکداری‌شان را اسلامی کنند. ایران توانست در آگوست سال ۱۹۸۳، یعنی سه سال پس از انقلاب اسلامی در این کشور، نظام بانکی‌اش را به نظام بانکی اسلامی تبدیل کند. در ایران، بانک‌ها، بدون پرداخت هرگونه بهره‌ای، حساب‌های جاری و پس‌انداز افتتاح می‌کنند و در مقابل، یکسری جوایز و هدایای نقدی و غیرنقدی را با قرعه‌کشی به مشتریان خود اعطا می‌نمایند که این ابتکار شباهت زیادی به Premium Bonds در انگلستان دارد. البته این قرعه‌کشی و اعطای جوایز، به عقیده مقامات بانکی ایران، مصداق قمار نمی‌باشد.

حساب‌های بدون کارمزد (رایگان): جمعیت مسلمانان در آفریقای جنوبی روبه‌فرونی است و خوشبختانه، دو بانک اسلامی معتبر در این کشور به وجود آمده‌اند که خدمات مالی و بانکی جالبی را به مشتریان خود عرضه می‌دارند. یکی از محصولات مهم و پرطرفدار عرضه‌شده در این بانک‌ها، "حساب جاری بدون کارمزد"^(۱۳) است که با تفاوت‌هایی چند از سوی بانک‌های سنتی نیز ارائه می‌شوند. در این نوع حساب‌ها، نه کارمزدی از مشتری دریافت می‌شود و نه بهره‌ای پرداخت یا دریافت می‌گردد. این بانک‌ها توانسته‌اند با استفاده از سرمایه‌های کلان جمع‌آوری‌شده به واسطه استقبال مشتریان از آنها، تامین مالی

قرض‌گیرنده نهایی، تعیین شود. در این نوع حساب‌ها، تسهیم در سود و منفعت وجود دارد، اما تسهیم در ضرر و زیان، نه. البته هرچه ریسک این سرمایه‌گذاری‌ها کمتر باشد، از سود حاصل از آنها نیز کاسته می‌شود.

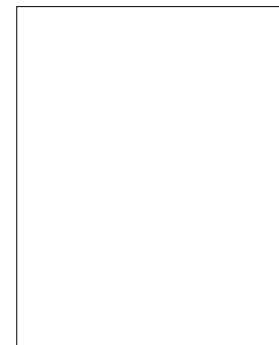
به‌طور کلی، تنوع و تکرر بسیار زیادی در مورد اصل مضاربه وجود دارد. به عنوان مثال، بانک اسلامی بنگلادش، انواع حساب‌های سپرده‌گذاری و سرمایه‌گذاری خود را بر اساس اصل تسهیم در سود و زیان، شکل داده است یا این که بانک اسلام مالزی، حساب‌های سرمایه‌گذاری خرد و کلان خود را بر اساس همین اصل، یعنی تسهیم در سود و زیان، ارائه می‌دهد. فواصل پرداخت سود نیز در بانک‌های اسلامی متفاوت است: در مالزی، سود حساب‌های بانکی، همراهه پرداخت می‌شود، حال آن که این فرایند در مصر، به صورت فصلی و هر سه ماه یکبار انجام می‌گیرد و یا در بنگلادش و پاکستان، هر شش ماه یکبار.

یکی از پرخطرترین و پرنوسان‌ترین حساب‌های بانکی برای بانک‌ها، همان سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت است که برنامه‌ریزی و مدیریت آنها بسیار دشوار و پرمخاطره است. به همین دلیل، در برخی از کشورها مانند مالزی، سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت با موعد سررسید حداقل دوساله، بر سایر سرمایه‌گذاری‌ها ترجیح داده می‌شود.

مراجعه: عقود اسلامی مضاربه و مشارکت، عمدتاً با قسمت بدهی‌های خرد بانک‌های اسلامی سروکار دارند و بانک‌ها در بخش دارایی‌های کلان از عقد دیگری به نام "مراجعه" استفاده می‌کنند که شباهت‌های بسیاری با "قراردادهای خرید و فروش"^(۱۲) متداول در غرب دارد و به عقیده من، تنها عقد بانکی اسلامی کارآمد و پرطرفدار می‌باشد.

در یک قرارداد مراجعه، بانک اقدام به تامین مالی خرید یک دارایی به نیابت از سوی مشتری خود می‌کند و سپس، همان را با افزودن مبلغی به قیمت آن و بر مبنای پرداخت در آینده (پرداخت معوقه) به آن مشتری می‌فروشد. ماهیت "هزینه افزوده" مراجعه شباهت زیادی با ماهیت سود سرمایه‌ای در محصولات بانکی و مالی سنتی دارد. در این میان، بانک‌های اسلامی، متحمل یک ریسک تجاری خاص می‌شوند که بین خرید دارایی از فروشنده و فروش آن به فرد متقاضی آن دارایی، به وجود می‌آید. به عبارت بهتر، بانک اسلامی در این میان، نقش واسطه بین خریدار و فروشنده را ایفا می‌کند و در عین حال، مسوول هرگونه اهمال و سستی در این میان نیز خود بانک است. علاوه بر این، بانک باید حفظ کیفیت و کمیت کالا و دارایی مورد نظر را از آغاز فرایند خرید تا پایان عملیات تحویل آن به استفاده‌کننده نهایی، تضمین نماید.

بیع مؤجل: این مساله که فروشنده یک کالا یا دارایی، در



ویژگی اصلی بانکداری اسلامی، حذف رباست، همراه با تاکید بسیار بر توزیع عادلانه‌تر درآمد و ثروت و خودداری از ورود به حیطه‌ها و عملیات نامشروع و نامطلوب.

تامین مالی از طریق عقد اسلامی "مشارکت" شباهت‌های بسیار با فعالیت‌های رایج در شرکت‌های سهامی دارد.

پروژه‌های عظیم را برعهده گیرند و سود سرشاری را نصیب خود و مشتریان خود سازند.

ویژگی‌های کلیدی بانکداری اسلامی

با بررسی و آنالیز محصولات و خدمات مالی فوق، می‌توان شش ویژگی کلیدی را برای بانکداری اسلامی برشمرد که عبارتند از:

- بدون ربا بودن.
 - نزدیک بودن با فرایند تجارت و کار و کسب و استفاده هوشمندانه از سرمایه‌ها.
 - مولد و اشتغال‌زای بودن.
 - مبرای بودن از نزول و استعمار.
 - منطبق بودن با اخلاقیات (سرمایه‌گذاری اخلاقی).
 - کاربردهای خرد و کلان (بانکداری شعبه‌ای و شرکتی).
- اگر به این فهرست، نگاه دقیق‌تری بیندازید، در خواهید یافت که ردپای بسیاری از این ویژگی‌ها را می‌توان در سیستم‌های بانکی مالیات‌محور غربی نیز مشاهده نمود. این امر، مبین این نکته است که بانکداری اسلامی را می‌توان با تغییراتی جزئی، در کشورهای غربی نیز گسترش داد و آن را به همه جهانیان شناساند.

سرمایه‌گذاری‌های اخلاقی: در بانکداری اسلامی، پرداختن به فعالیت‌های حرام و سرمایه‌گذاری در بخش‌های نامطلوب، به شدت نفی شده است. این ویژگی تحسین‌برانگیز بانکداری اسلامی، شباهت‌های بسیاری با سرمایه‌گذاری‌های اخلاقی غربی دارد. "موسسه مشاوره‌ای تامین مالی اخلاق‌گرایانه" یک موسسه انگلیسی است که سرمایه‌گذاری‌های مولد و اخلاقی متعددی را به مشتریان خود پیشنهاد می‌کند. براساس رهنمون‌های منتشرشده از سوی این موسسه در سال ۱۹۹۷، رعایت موارد زیر در فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری پیشنهاد شده است:

- ۱- حفاظت از محیط زیست.
- ۲- انجام فعالیت‌های خیریه و دادن صدقه.
- ۳- مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی.
- ۴- دوری‌جستن از استثمار نیروی کار.
- ۵- گسترش فضای سبز.
- ۶- رستگاری انسان‌ها و سعادت همگانی.
- ۷- تحریم شرکت‌های فعال در حوزه‌هایی چون فساد و فحشا.

همانطور که مشاهده می‌کنید، به جز تحریم الکل و قمار که به طور مستقیم و آشکار در این فهرست بدان‌ها اشاره نشده است، سایر موارد مذکور، از جمله مواردی هستند که جزو اصول بنیادین و انکارناپذیر بانکداری اسلامی می‌باشند و

سال‌هاست که بانکداران و سرمایه‌گذاران اسلامی بدان‌ها پایبندند.

کاربردهای خرد و کلان بانکداری اسلامی

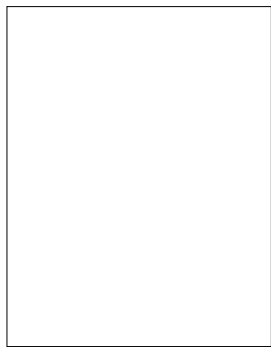
سرمایه‌گذاری‌های اسلامی، هم برای مشتریان خرد و شعبه‌ای بانک‌ها جذابیت و کارایی دارد و هم برای مشتریان کلان و شرکتی آنها. هم‌اکنون، در بسیاری از کشورهای غربی، بانک‌هایی مشغول فعالیت هستند که خدماتشان را فقط به مشتریان ثروتمند و عالی‌رتبه خود ارایه می‌دهند. به عنوان مثال، بانک Oasis انگلیس، فقط به مشتریانی که دارای حداقل ۵۰۰۰ دلار سپرده در این بانک هستند، خدمات‌رسانی می‌کند. اما بانک‌های اسلامی، کاملاً از این قیدوبندها آزادند و دستشان در خدمات‌رسانی به مشتریان کاملاً باز است.

هم‌اکنون بیش از یک‌ونیم میلیون مسلمان در انگلستان و چند میلیون مسلمان دیگر در آلمان و فرانسه زندگی می‌کنند که به شدت در جستجوی برخورداری از خدمات مالی اسلامی هستند و پتانسیل خوبی را برای گسترش بانکداری اسلامی در اروپا، به وجود آورده‌اند.

مشتقات مالی اسلامی (۱۴)

بسیاری بر این عقیده‌اند که واژه "مشتقات اسلامی" واژه‌ای تناقض‌آمیز و غیرممکن است، آن هم به این دلیل که اشتقاق و انشعاب در قوانین و اصول اسلامی، یک نوع بدعت و تخلف از اسلام بوده و لذا "حرام" است. اما باید دانست که مشتقات مالی اسلامی نه یک چیز جدید و بدعت‌آمیز، بلکه ترکیبی از یک ابزار مالی اسلامی با ابزاری دیگر می‌باشند و هیچ چیز حرامی در آنها وجود ندارد.

علاوه بر این، برخی از کارشناسان معتقدند که مشتقات مالی اسلامی، به نحو "اجتناب‌ناپذیری" دربردارنده بهره بوده و محصولات مالی ربوی به حساب می‌آیند و لذا حرام هستند. در پاسخ به این ایراد هم باید گفت که مشتقات مالی اسلامی، فقط زمانی می‌توانند ربوی باشند که یکی از طرفین استفاده‌کننده از آنها، از طرف دیگر، تقاضای بهره حرام نماید که اگر این مساله را معیار و مقیاس حلال و حرام بودن قرار دهیم، پس بایستی عقد کاملاً اسلامی "مراجعه" را نیز ابزاری ربوی و حرام بدانیم، چون که در آن، یکی از طرفین می‌تواند با مبنای قرارداد یک نرخ بهره خاص برای خریدار یک محصول، برگشت آن را تضمین نماید و این، یعنی وجود یک نرخ بهره ازپیش‌تعیین‌شده. بنابراین، من بر این اعتقادم که مشتقات بانکی اسلامی، از پتانسیل کافی برای تبدیل‌شدن به ابزارهای مالی حلال برخوردارند، بدون این که به شایبه هرگونه بهره و ربایی آلوده شوند.



■ ■ ■
بانکداری اسلامی را می‌توان با تغییرات جزئی، در کشورهای غربی نیز گسترش داد و آن را به همه جهانیان شناساند.
 ■ ■ ■

■ ■ ■
ویژگی تحسین‌برانگیز بانکداری اسلامی، همانا منع فعالیت‌های حرام و سرمایه‌گذاری در بخش‌های نامطلوب است.
 ■ ■ ■

بیست و یکم به حساب می‌آید. علاوه بر این، فرایندهایی چون کنترل پروژه و ارزیابی طرح‌ها نیز از مهارت‌های ضروری و حیاتی برای بانکداران اسلامی به حساب می‌آید.

بانک‌های اسلامی باید با دقت و وسواس فراوان، نسبت ذخیره و پورتفولیوی خود را تحت کنترل داشته باشند تا از این طریق بتوانند ضمن ورود به حوزه‌های جدید و متنوع‌سازی خدمات خود، از هرگونه ضرر و زیان غیرقابل‌جبران مصون بمانند.

به‌هرحال، آنچه من طی سالیان متمادی مطالعه و کنکاش در زمینه بانکداری اسلامی و مقایسه آن با الگوهای بانکداری سنتی غربی دریافته‌ام، این است که واسطه‌گری مالی اسلامی، پدیده‌ای ناشناخته و متروک در غرب نیست و همزادهای غربی بسیاری برای ابزارهای مالی اسلامی به وجود آمده‌اند: هم‌اکنون همزادهایی چون پیش‌پرداخت = مرابحه، لیزینگ = اجاره، شرکت‌های سهامی = مشارکت، پرداخت با تاخیر = بیع موجل، سرمایه‌گذاری متهورانه = مضاربه و غیره، در جهان مالی وجود دارند که یکی از آنها غربی و غیراسلامی است و دیگری شرقی و اسلامی.

بنابراین، می‌توان از این مقاله چنین نتیجه گرفت که بانک‌های غیراسلامی غرب می‌توانند از ابزارهای مالی اسلامی به عنوان دستاویزی برای پاسخگویی بهتر به تقاضاهای بیشمار مشتریان خود جهت برخورداری از سرمایه‌گذاری‌های اخلاقی بهره ببرند و در کنار آن، جمعیت بیش از یک میلیاردی مسلمانان در گوشه و کنار جهان را به جمع مشتریان خود بیفزایند و از این طریق، از مزایای بیشمار بانکداری و مالیه اسلامی، به ویژه خواص ضدتورمی آن، استفاده نمایند.

پانویس‌ها

- 1) No pain, no gain.
- 2) Pure Islamic Banking.
- 3) Venture Investment.
- 4) Project Finance.
- 5) Grey Area.
- 6) Predetermined Profit.
- 7) Idea Hunting.
- 8) Saving and Loan Institutions.
- 9) Fee.
- 10) Tax - driven System.
- 11) Profit-loss Sharing (PLS).
- 12) Sale and Purchase Agreements.
- 13) No Fee Current Account.
- 14) Islamic Derivatives.
- 15) Islamic Windows.

در مالزی، یک سیستم مالی دوگانه وجود دارد که در آن، نظام بانکی اسلامی در کنار و دوشادوش نظام بانکی سنتی، مشغول فعالیت است. در این کشور، بیش از ۲۶ بانک سنتی وجود دارند که اقدام به ایجاد "دریچه‌های اسلامی"^(۱۵) نموده‌اند و در شعب منتخب خود، خدمات مالی و بانکی اسلامی را ارائه می‌کنند. آنچه مسلم است، این که بسیاری از این خدمات مالی اسلامی، به طور کامل از سیستم‌های بانکی سنتی جدا و تفکیک‌شده نیستند و به نوعی "مشتقات مالی اسلامی" محسوب می‌شوند.

به عقیده من، عقد اسلامی "بیع سلم" نیز که شامل پیش‌پرداخت برای کالاها، قبل از تحویل یا حتی ساخت آنهاست، یک نوع از مشتقات مالی اسلامی می‌تواند باشد که نمونه مشابه آن در سیستم‌های بانکی سنتی همان Forward Contract می‌باشد. این ابهامات، صرفاً به محصولات مالی اسلامی محدود نمی‌شود. به عنوان مثال، در بانکداری اسلامی، فعالیت مالی در حوزه‌هایی چون الکل، حرام دانسته شده و مسلمانان از ورود به تجارت این کالا منع شده‌اند، اما باید دانست که الکل مصارف دیگری غیر از نوشیدن دارد: از الکل برای ضدعفونی کردن زخم‌ها در پزشکی و جلوگیری از انجماد (ضدیخ) در اتومبیل‌ها نیز استفاده می‌شود و این استفاده‌ها، به هیچ‌وجه در اسلام ممنوع نشده‌اند.

بنابراین، باید در برخورد با نوآوری‌ها و ابداعات در حوزه‌های مالی اسلامی، با دیدی وسیع و چشمانی باز عمل نمود و از کوتاه‌نظری و تعصب کورکورانه دست برداشت.

نتیجه‌گیری

در حالی که بانکداران اسلامی، به هر دری می‌زنند تا از طریق مرابحه، اجاره و بیع سلم، ریسک عملیات بانکی خود را به حداقل برسانند، توسل‌جستن آنها به معاملات و سرمایه‌گذاری‌های تجاری می‌تواند سکوی پرتاب آنها به سوی آینده‌ای روشن باشد. با توجه به این مساله، دست‌اندرکاران و سیاستگذاران صنعت بانکداری و مالیه اسلامی، بایستی آغوش خود را به روی پیشنهادها و نوآوری‌ها بگشایند تا بدین وسیله، از رقابت سنتی خود پیشی بگیرند و به نیازهای رایج در بازارهای مالی جهان (به‌ویژه در کشورهای اسلامی) پاسخ گویند.

بانکداران اسلامی باید بدانند که فعالیت‌های آنها، بسیار پرخطرتر از فعالیت‌های بانک‌های سنتی و غیراسلامی در غرب است و لذا آنها باید دقت بیشتری را در مدیریت و کنترل سرمایه‌ها و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خود مبذول دارند. برای نیل به این مقصود، مهارت‌هایی مانند مدیریت ریسک‌های اعتباری، از اولویت‌های اصلی بانکداران اسلامی در قرن

■ ■ ■
بانک‌های غیراسلامی غرب هم می‌توانند از ابزارهای مالی اسلامی استفاده کنند و ضمن افزایش مشتریان خود، از خواص ضدتورمی آن هم بهره ببرند.
■ ■ ■